

(۳)



شیدا شمس نویسنده و دکلماتور

۲۶ شهریور ۱۳۶۸ / استان چهارمحال بختیاری، فرخ
شهر / کارشناسی حقوق / آموزگار

(۱)

پرم از خواستن‌های تکراری
جواب‌های طولانی،
که اگر
ولی
شاید!
بغض گلویم
فریاد بی‌مهری است
تلخی لبخندم غم
چشمانم قهوه تحیر
درد بی‌دوایم، فاصله
و باز سرنوشت
نقطه می‌گذارم
سکوت خداحافظی
اجباری است

(۲)

لحظه‌ای مکث

می‌اندیشم!
او که بود؟؟؟
نان را دزدید از سر سفره فقر....

(۳)

در انتهای باور تو
دستان من خالی است
دلی نیست...
عشقی نیست...
تنهایم....

(۴)

پرم از خواستن‌های تکراری
جواب‌های طولانی،
که اگر
ولی
شاید!



بغض گلویم
فریاد بی‌مهری است
تلخی لبخندم غم
چشمانم قهوه تحیر
درد بی‌دوایم، فاصله
و باز سرنوشت
نقطه می‌گذارم
سکوت خدا حافظی
اجباری است.

(۵)

سوخته دل بودم
می‌دانی چه وقت؟
حکم دل بود!
شاه دل را باختی....

(٤)



شیرین علیایی، نویسنده و شاعر

متولد ۱۳۸۲ / به نام خالق یکتا که هر چه دارم
از آن اوست. بنده شیرین علیایی هستم؛ محصل
رشته تجربی، زادگاهم شهرستان کازرون / حدود ۵
سال است که در این حوزه فعالیت می‌کنم.
غیر از شعر، دل نوشته و داستان کوتاه هم می‌نویسم

(۱)

به درون خود که می‌نگرم،
دنیای عجیبی ست.
بی‌هیاهو...
بی‌تکاپو...
همه‌چیز آرام و پر از شوق تپیدن!
خبری از سیاهی بر دل نشسته و غم و غصه نیست.
خنده بر لب نشسته
قلبی پر از عشق،
که در وجود رگ‌های احساس روان شده است.
آتش غرور خاکستر و روانه مرداب شد.
دریای مهربانی در حال حرکت به ساحل چشمان است.
ریشه نفرت متلاشی شده و جایگزینش بذر شادایی کاشته!
چه زیباست.
همه‌چیز بی‌نقص!
ای کاش عالم درونمان ماندگار بود...